

## بخشی از پیش درآمد کتاب استاد و درس؛ صرف و نحو

...

آنچه پیش از دگرگونی کتاب ها ضرورت دارد، یکی روش آموزش است و دیگری اساس درس ها.

در مورد آموزش، این استاد است که پیش از صرف و نحو باید مجموعه طرح عملی را و پیش از طرح عملی، ظرفیت روحی را و شهادت و بینش را در محصل فراهم آورد؛ چون ما در قرن شبهه زندگی می کنیم، پس ناچار به این جریان فکری، به این شهادت و بینش نیاز داریم. ما در کنار گرفتاری ها سر بلند می کنیم، پس ناچار به ظرفیت روحی و سعه صدر محتاجیم. ما در برابر کارهای پراکنده و علوم گوناگون قرار می گیریم، پس ناچار به طرح و برنامه نیازمندیم تا بتوانیم تمام راه را ببینیم و گام ها را بشناسیم و گام برداریم.

پس از این مراحل، از فکر و ظرفیت و طرح، دانش ها و علمی است که باید اجمالا از آن اطلاع داشته باشیم و سپس شناسایی مقدمه علم و مقدمه کتاب؛ یعنی شناخت اصطلاح ها و شناخت تعریف و فایده علوم است، تا دست به کار شویم. آنگاه در صرف با آگاهی از ماضی و مضارع و باب ها و در نحو با آشنایی با عوامل در چند خط شعر و در منطق با توجه به ضرورت شناخت و روش شناخت و در علوم معانی با توجه به شناخت کلام و شناخت مقصد، زمینه ای برای شروع این علوم به دست می آوریم و می توانیم شکل و مسایل این علم را با دگرگونی هایی همراه کنیم که به کتاب ها و متن درس ها هم سرایت خواهد کرد.

این جمع بندی هر چند مجمل، می تواند زمینه بررسی های عمیق و تازه ای باشد و سرزمین های تازه ای را کشف نماید.

برخورد با منطق و فلسفه و فصاحت و بلاغت و فقه و اصول، با این زمینه ها به صورت تازه ای روی خواهد آورد. و فلسفه و عرفان و اخلاق و هنر و فقه اسلامی از فلسفه و عرفان و اخلاق و هنر و فقه مسلمین مشخص خواهد شد.

ما امروز شاهدیم که فریاد اصلاح کتاب ها و درس ها با همه طنطنه و آهنگش هنوز به این ابعاد نظری ندارد، که ناچار باید داشته باشد.

محصل باید همراه شناخت های حضوری و بدون واسطه اش به یک جریان فکری دست بیابد که اذان (ر.ک. کتاب صراط) از آن حکایت دارد و این، فلسفه اسلامی است. و با این جریان به بینش و حضوری برسد که عرفان اسلامی است. و با این بینش به ترکیب هایی از احساس و معرفت و در نتیجه تبدیل هایی در طبیعت انسان و حالت های او راه بیابد که اخلاق اسلامی است و پس از این همه به مرحله آداب عمل برسد که فقه اسلامی است... و این جریان به هم پیوسته در ذهن محصل مهم ترین خصلت آموزش جدید است که تمامی راه را دیده و آمده. و در این آمدن، سنگینی ها را شناخته و به دوش کشیده است؛ نه گرفتار یاس شده و نه همراه غرور، و اسیر رنج و گرفتاری....